

آزهای سرزمینی عراق نسبت به کویت ۹۰-۱۹۶۸

اصغر جعفری ولدانی*

چکیده

تصور عمومی بر این است که ایده اشغال کویت در سال ۱۹۹۰ شکل گرفت و در همان سال هم کویت اشغال و ضمیمه خاک عراق شد. در حالی که دولتمردان حزب بعث از زمان به قدرت رسیدن در سال ۱۹۶۸ در اندیشه اشغال کویت و یا بخش‌هایی از آن بوده‌اند. آنها در این مدت ۲۲ سال، از ادعاهای ارضی خود نسبت به کویت صرف‌نظر کردند تا در فرصت‌های مناسب آن را مطرح کنند. توضیح آنکه بزرگ‌ترین مشکل عراق در خلیج فارس، تنگنای ژئوپولیتیکی است. عراق دسترسی محدودی به خلیج فارس دارد. رهبران حزب بعث نیز از این واقعیت آگاهی داشته و درصدد رفع آن بوده‌اند. به نظر آنها، خوزستان ایران و کویت می‌توانند این تنگنای ژئوپولیتیکی عراق را برطرف کنند. از آنجا که عراق در مدت ۸ سال جنگ با ایران نتوانست به هدف عمده خود که تجزیه خوزستان ایران بود، دست یابد، لذا پس از پایان جنگ به هدف دوم خود که اشغال کویت بود، روی آورد.

واژگان کلیدی

تنگنای ژئوپولیتیکی، وره، بوبیان، اروندرود

Email: rjvemail@yahoo.com

* دانشیار دانشگاه علامه طباطبائی

تاریخ پذیرش: ۹۰/۱۱/۲۳

تاریخ ارسال: ۹۰/۰۶/۱۵

فصلنامه راهبرد / سال بیست و یکم / شماره ۶۳ / تابستان ۱۳۹۱ / صص ۹۲-۶۷

مقدمه

دولت عراق در دوم اوت ۱۹۹۰ کویت را اشغال کرد. عراق ابتدا یک دولت آزاد در کویت تشکیل داد، اما پس از چند روز آن را منحل و کویت را به عنوان استان نوزدهم، ضمیمه خاک خود کرد. اشغال کویت و الحاق آن به عراق تقریباً تمام دولت‌ها را شگفت‌زده کرد. دولت عراق قبل از اشغال کویت نیروهایش را در مرزهای آن کشور مستقر کرد، اما آنها تصور نمی‌کردند هدف صدام حسین از این امر، اشغال این کشور باشد. تقریباً تمام دیپلمات‌های غربی، تمرکز نیروهای عراقی را تنها یک نمایش عمومی بزرگ در آستانه اجلاس اوپک اعلام کردند. به نظر آنها، هدف عراق از تمرکز نیروهایش در مرز کویت، مرعوب ساختن این کشور در اختلاف بر سر قیمت و تولید نفت بود. مقامات آمریکایی یک هفته قبل از تجاوز عراق به کویت، اعلام کرده بودند که نیروهای ارتش عراق، که در مرز کویت مستقر شده‌اند، فاقد واحدهای لجستیکی و پشتیبانی لازم هستند و این امر ثابت می‌کند که عراق قصد دارد از استقرار قوای خود در مرز این کشور، تنها به عنوان یک اهرم جهت کسب امتیازات سیاسی و اقتصادی استفاده کند.

البته، این تنها مقامات غربی نبودند که به صورتی نادرست مسائل منطقه خلیج فارس را تبیین می‌کردند، بلکه رهبران کویت نیز تصورات نادرستی از دولت عراق داشتند. شیخ صباح الاحمد الصباح، وزیر امور خارجه کویت، تمرکز نیروهای عراق در مرزهای کشورش را مسئله کوچکی جلوه داد و اظهار داشت: «اختلاف میان برادران در عراق و کویت یک ابر ساده تابستانی است که سپری خواهد شد». نماینده دائم کویت در سازمان ملل متحد نیز در ۱۹ ژوئیه ۱۹۹۰ اظهار داشت: «احتمال اقدام نظامی از سوی عراق علیه کویت بعید است». در آن زمان، گفته می‌شد که عراق با این اقدامات قصد دارد کویت را به امور زیر وادارد: ۱. از وام‌های اعطایی به عراق چشم‌پوشی کند؛ ۲. سهمیه‌های تعیین‌شده از طرف سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) را رعایت کرده و از افزایش بهای نفت جانبداری کند؛ ۳. بهای نفتی را که عراق ادعا می‌کرد کویت از حوزه نفتی رمیله به سرقت برده، پرداخت کند؛ ۴. امتیازاتی در مورد جزیره‌های وره و بوبیان به عراق اعطا کند.

علت این برداشت‌های نادرست، عدم توجه به آزهای سرزمینی عراق نسبت به کویت در دوره صدام حسین بود. از آنجایی

داده شود. اختلافات مرزی، اصولاً اختلاف بین دو دولت در مورد محل یا مکان مرز است. اما اختلافات سرزمینی، اختلاف بین دو دولت در مورد یک منطقه است (درایسدل و بلیک، ۱۳۶۹، صص ۱۲۲ - ۱۱۲) منظور از آزه‌های سرزمینی نیز، اختلاف در مورد یک منطقه یا بخشی از خاک یک دولت نیست، بلکه چشمداشت‌های یک دولت نسبت به بخشی یا تمام خاک یک دولت دیگر است.

در این مقاله، منظور از آزه‌های سرزمینی، چشمداشت‌های عراق نسبت به برخی جزایر کویت یا تمام سرزمین آن کشور است.

۱. چهارچوب مفهومی پژوهش

به نظر هالستی، کشورها در سیاست خارجی خود اهداف متعددی را دنبال می‌کنند که یکی از آنها، توسعه‌طلبی است. بعضی کشورها به سرزمین‌های هم‌جوار چشمداشت دارند و این امر به منازعه منجر می‌شود. جرمی بنتام عقیده داشت، مبارزه برای به‌دست آوردن سرزمین منشاء تمام منازعات بین‌المللی است (بهزادی، ۱۳۵۲، ص ۴۸). هالفورد مکیندر معتقد بود، تاریخ چیزی جز مبارزه برای به‌دست آوردن سرزمین‌ها نیست. به باور او، جنگ، همیشه کوششی برای به‌دست آوردن هر چه بیشتر اراضی است (بهزادی، ۱۳۵۲، ص ۲۰۷).

که این مسئله تا آن زمان توجه پژوهشگران را به خود جلب نکرده بود، کتاب یا مقاله‌ای در این مورد منتشر نشده بود. بعد از اشغال کویت نیز هر چند کتب و مقالات زیادی منتشر شده و هنوز هم منتشر می‌شود، اما بیشترین این آثار در مورد روند جنگ خلیج فارس، تأثیر آن بر امنیت منطقه، مشارکت کشورهای دیگر در جنگ، اهداف آمریکا از جنگ، پیامدهای منطقه‌ای و جهانی جنگ، خسارات وارده به عراق و کویت، نقش سازمان ملل و اثرات جنگ بر استراتژی‌های نظامی است و کمتر به علت اصلی اشغال کویت که آزه‌های سرزمینی عراق نسبت به این کشور بود، پرداخته شده است. به همین دلیل، نگارنده نتوانست ادبیات قابل اشاره‌ای در موضوع مورد بحث بیابد.

در اینجا چند سؤال مطرح می‌شود: نخست اینکه دولت بعث عراق در سال‌های ۹۰ - ۱۹۶۸ از چه شیوه‌هایی برای ادعاهای سرزمینی خود نسبت به کویت و یا بخش‌هایی از خاک آن کشور استفاده کرده است؟ دوم اینکه واکنش‌ها و اقدامات دولت کویت در برابر چشمداشت‌های ارضی عراق نسبت به خاک خود چه بوده است؟ در این مقاله، روش تحقیق تحلیلی - تبیینی است. در اینجا در مورد چند مفهوم باید توضیح

به نظر اسپایکمن، توسعه‌طلبی مسیری در پیش می‌گیرد که کمترین مقاومت را در برابر خود بیابد. قلمروهای جدید فتح می‌شوند و به عنوان سکویی برای پیش‌روی‌های بعدی مورد استفاده قرار می‌گیرند. موانع طبیعی مانند رودخانه‌ها، کوه‌ها و نیز تمایل به در دست داشتن فراز و نشیب دره‌های رودخانه‌ها، تلاش برای دست یافتن به دریا و تسلط بر نقاط استراتژیک مجاور راه‌های ارتباطی، حد و مرز توسعه‌طلبی را تعیین می‌کند. در هر دوره‌ای از تاریخ، مرزهای دولت‌ها نمایان‌کننده رابطه نسبی قدرت آنها است (دوئرتی، فالتزگراف، ۱۳۷۲، صص ۶۳-۱۶۲).

بی‌تردید، وسعت سرزمین می‌تواند امکانات متعددی را در اختیار یک کشور قرار دهد. وسعت بیشتر، جمعیت بیشتری را در خود جای می‌دهد، موجب تنوع آب و هوا، تولیدات متنوع کشاورزی، پوشش گیاهی بیشتر و وفور منابع زیرزمینی می‌شود. وسعت زیاد همچنین عمق ژئوپولیتیکی ایجاد می‌کند و می‌تواند در هنگام جنگ، امکان عقب‌نشینی نیروهای نظامی را فراهم کرده و موجب انتقال کارخانجات و صنایع از مناطق در معرض خطر به پشت خطوط جبهه شود. برای مثال، وسعت زیاد روسیه موجب

شکست حمله ناپلئون به این کشور در ۱۸۱۲ و نیز حمله هیتلر در سال‌های ۴۲-۱۹۴۱ شد. زیرا ارتش روسیه و یا شوروی توانست صدها کیلومتر عقب‌نشینی کند و با این تاکتیک، مشکلات بسیاری را از نظر پشتیبانی و تدارکات برای دشمن به‌وجود آورد. همچنین روس‌ها توانستند بسیاری از صنایع خود را از قسمت اروپایی شوروی به مناطق شرقی کشور منتقل و از نابودی آنها جلوگیری کنند.

برخی از صاحب‌نظران، با تأکید بسیار بر نقش وسعت یک کشور بر قدرت آن، توجه‌گر توسعه‌طلبی‌ها و جنگ‌افروزی‌ها شده‌اند. در این باره می‌توان به نظرات فردریک راتزل (۱۹۰۴-۱۸۴۴) آلمانی اشاره کرد. راتزل معتقد بود که هر چه وسعت کشوری بیشتر باشد، قدرت آن بیشتر است. به نظر وی، کشورها مانند یک موجود زنده رشد می‌کنند و رشد و تکامل آنها مستلزم توسعه ارضی است. به اعتقاد راتزل، کشورهای کوچک محکوم به فنا هستند. عقاید راتزل موجب نظریه «فضای حیاتی» هیتلر و سیاست توسعه‌طلبی وی شد. هیتلر معتقد بود که آلمان طبق قوانین طبیعی در حال رشد است و نیاز به خاک کشورهای همسایه دارد. این مسئله مهم‌ترین دلیل

شروع جنگ جهانی دوم بود. نظریه راتزل در سال ۱۹۹۰، در مورد کویت مصداق پیدا کرد. عراق در مدت کمتر از ۱ ساعت کویت را اشغال و برای مدتی آن را از روی صفحه جغرافیا پاک کرد.

از سوی دیگر، دسترسی به دریا برای کشورها، امکانات مختلفی از قبیل ایجاد نیروی دریایی، استفاده از منابع نفت و گاز، همچنین برقراری آسان و ارزان ارتباط و حمل و نقل با سایر نقاط جهان را فراهم می‌کند. در این راستا، آلفرد ماهان بر نقش موقعیت دریایی کشورها در سیاست خارجی آنها تأکید بسیار دارد. وی نویسنده کتاب «تأثیر قدرت دریایی بر تاریخ» است. به نظر ماهان، موقعیت جغرافیایی بریتانیا (جزیره بودن) سبب شد تا این کشور به یک قدرت جهانی تبدیل شود. وی آمریکا را با بریتانیا مقایسه می‌کند و معتقد است آمریکا از نظر موقعیت جغرافیایی وضعیتی مشابه انگلستان دارد. آمریکا بین دو اقیانوس کبیر و اطلس واقع شده و این موقعیت جغرافیایی این کشور را به یک قدرت بزرگ تبدیل کرده است.

دسترسی به دریا در سیاست خارجی عراق، تأثیرات قاطعی ایفاء کرده است. عراق با ۵۵ کیلومتر خط ساحلی، کمترین ساحل

را در خلیج فارس دارد. این امر همواره موجب ناخشنودی این کشور بوده و مقامات آن، از زمان تأسیس عراق سعی کرده‌اند با طرح ادعاهایی نسبت به کویت، دسترسی خود به دریا را بهبود بخشند. همچنین عراق در مورد صادرات نفت خود نیز همواره با مشکل روبرو بوده و احداث ۴ خط لوله نفت از طریق سوریه، ترکیه و عربستان سعودی نتوانسته مشکل این کشور را حل کند. زیرا این خطوط به علت بحران‌هایی که روی داده بسته شده‌اند.

۲. پیشینه ادعاهای عراق در مورد کویت

ادعاهای عراق نسبت به کویت به آغاز قرن بیستم باز می‌گردد. به طور دقیق‌تر، می‌توان گفت که ریشه آن را باید در قرارداد ۲۹ ژوئیه ۱۹۱۳ جستجو کرد. به موجب این قرارداد، که بین عثمانی و بریتانیا به امضا رسید، کویت به عنوان ایالتی خودمختار با پرچم خاص خویش به رسمیت شناخته شد. تا این زمان، کویت به صورت رسمی بخشی از امپراتوری عثمانی بود، اما در عمل به موجب قرارداد ۱۸۹۹ منعقد شده بین بریتانیا و کویت، تحت کنترل بریتانیا قرار داشت. بعدها در جریان جنگ جهانی اول، که متصرفات خاورمیانه عثمانی از جمله عراق از آن جدا

شدند، کویت نیز به عنوان امارتی مستقل از طرف بریتانیا به رسمیت شناخته شد. در آن زمان، منافع بریتانیا در خلیج فارس ایجاب می‌کرد که برای مقامات عثمانی از جهت دسترسی به خلیج فارس محدودیت ایجاد کند. بنابراین، طبیعی بود که مرزهای شمال شرقی کویت به صورتی تعیین شود که کنترل خور عبدالله در دست بریتانیا قرار گیرد.

دولت عراق ادعا می‌کند که ۱. به موجب قرارداد مذکور، کویت ناحیه‌ای خودمختار در چهارچوب امپراتوری عثمانی بوده و شیخ کویت یک مأمور عثمانی به شمار می‌رفته است. بنابراین عراق معتقد است از آنجا که جانشین امپراتوری عثمانی در این منطقه شده، وارث متصرفات آن در کویت است. ۲. قرارداد مذکور هرگز به تصویب نرسیده و بنابراین فاقد اعتبار است. این استدلال عراق قابل قبول نیست، زیرا این کشور بعد از تأسیس، به موجب قراردادهای ۱۹۲۰ و ۱۹۲۳ که با بریتانیا منعقد کرد، مرزهای تعیین شده در قرارداد ۱۹۱۳ را به رسمیت شناخت.

علاوه بر این، نوری سعید، نخست وزیر عراق، در ژوئیه ۱۹۳۲ نامه‌ای به کمیسیون عالی بریتانیا در عراق نوشت و طی آن

مرزهای تعیین شده در قراردادهای قبلی را به رسمیت شناخت. در واقع، دولت عراق در این سال تمایلی به پذیرش مرزهای تعیین شده نداشت، ولی ناگزیر به این امر شد، زیرا در این زمان در نظر داشت به عضویت جامعه ملل درآید. با توجه به ماده ۱۰ میثاق جامعه ملل، که براساس آن، دول عضو تمامیت ارضی یکدیگر را به طور متقابل تصدیق و تأیید می‌کردند، عراق ناچار بود مرزهای خود با کویت را بپذیرد. به عبارت دیگر، عراق باید از ادعاهای ارضی خود نسبت به کویت صرف نظر می‌کرد. از مذاکرات اعضای کابینه عراق در ژوئیه ۱۹۳۲ چنین استنباط می‌شود که تمام اعضای کابینه با نامه نوری سعید و پذیرش مرزها موافق نبوده‌اند. برخی از اعضای کابینه، خواستار بهبود مرزها و کنترل جزایر وره و بوبیان توسط عراق بودند، تا به این ترتیب خط ساحلی عراق را در خلیج فارس افزایش دهند. در این راستا، جعفر العسکری، وزیر دفاع عراق، در نشست اعضای کابینه عراق در ۳۰ ژوئیه ۱۹۳۲، نسبت به درستی این حرکات شتاب‌آمیز برای تأیید مرزهای عراق و کویت اظهار شک و تردید کرده بود. وی خواستار اعمال حاکمیت عراق بر جزایر وره و بوبیان بود و اظهار داشت که عراق می‌تواند به این جزایر بر مبنای

زمین‌شناسی ادعای ارضی کند. به نظر وی، این جزایر در اثر رسوبات ناشی از رودخانه‌های عراق در سال‌های بسیار قبل ایجاد شده است (Iraqi Embassy, 1990, pp.13-14). به این ترتیب، در سال ۱۹۳۲ حداقل وزارت دفاع عراق با تأیید مرزها مخالف بوده و از شرایط نامطلوب جغرافیایی این کشور در خلیج فارس آگاهی داشته است.

با این حال، در ۴ اکتبر ۱۹۶۳، دو سال بعد از استقلال کویت، یادداشت تفاهمی بین دو کشور به امضاء رسید که به موجب آن، دولت عراق استقلال کشور کویت و حاکمیت کامل آن را در چهارچوب مرزهای تعیین شده در نامه نوری سعید، نخست وزیر عراق (ژوئیه ۱۹۳۲) به رسمیت شناخت. اما در این یادداشت تفاهم هیچ‌گونه موادی برای علامت‌گذاری مرزها در آینده گنجانیده نشده و در نتیجه، اختلافات مرزی بین دو کشور ادامه یافت.

۱-۲. ادعاهای عراق نسبت به کویت (۷۵-۱۹۶۸)

پس از اینکه حزب بعث از طریق یک کودتای نظامی در ژوئیه ۱۹۶۸ در عراق به قدرت رسید، دولت کویت به سرعت رژیم جدید عراق را به رسمیت شناخت. در ابتدا

به نظر می‌رسید که با روی کار آمدن حزب بعث، امید زیادی برای حل و فصل اختلافات مرزی بین دو کشور به وجود آمده است. آنچه این امیدواری‌ها را افزایش می‌داد، این بود که حزب بعث در دوره اول به قدرت رسیدن خود در ۱۹۶۳، ادعای قاسم را نسبت به کویت رد کرده و استقلال این کشور را به رسمیت شناخته بود. از سوی دیگر، گام‌های اولیه‌ای که حزب بعث برای برقراری روابط نزدیک‌تر با کویت برداشت، این امیدواری‌ها را تقویت کرد. در نوامبر ۱۹۶۸ یک هیئت عراقی به ریاست حردان تکریتی، وزیر دفاع عراق، از کویت بازدید رسمی به عمل آورد. به فاصله یک سال پس از به قدرت رسیدن حزب بعث نیز موافقت‌نامه‌ای برای ایجاد هماهنگی بین سازمان‌های اطلاعاتی و رسانه‌های جمعی دو کشور به امضاء رسید. مذاکراتی نیز به‌طور جدی در مورد همکاری‌های نظامی بین عراق و کویت انجام شد. همچنین دو کشور در مورد پرداخت غرامت به دارایی‌های کویتی‌ها که در عراق ملی شده بود، به توافق رسیدند. در مورد همکاری در بخش نفت نیز بین دو کشور توافقاتی به عمل آمد. اما این امیدواری‌ها دیری نپایید و به زودی ادعاهای عراق نسبت به کویت دوباره از سر گرفته شد. در این

مورد، چندین عامل مؤثر بود که مهم‌ترین آنها عبارت بودند از: تصمیم بریتانیا به خروج نیروهای آن کشور از خلیج فارس، کاهش نفوذ مصر در خلیج فارس، افزایش اهمیت نفت از یک کالای تجاری به یک کالای استراتژیک و بحران بین ایران و عراق در مورد ارونردود در آوریل ۱۹۶۹.

در آوریل ۱۹۶۹، همزمان با تشدید بحران در روابط ایران و عراق در مورد ارونردود، یک هیئت عالی‌رتبه سیاسی - نظامی به سرپرستی عبدالغفار تکریتی و صالح مهدی عماش، وزیر دفاع و کشور عراق عازم کویت شدند. در مذاکراتی که بین مقامات دو کشور به عمل آمد، عراق با مطرح کردن خطر فرضی نزدیک بودن جنگ بین ایران و عراق، از کویت خواست تا به یکی از اعضای جامعه عرب علیه دشمنی که سیاست اعلام نشده‌اش، مسئولیت جدی را در مورد مقاصد و هدف‌های بلندمدت آن در خلیج فارس به وجود آورده است، کمک کند. اشاره عراق نیز به نقش منطقه‌ای شاه در خلیج فارس به هنگام اعلام تصمیم بریتانیا مبنی بر خروج نیروهای آن کشور از خلیج فارس بود. هدف عراق تنها درخواست کمک مالی و یا حمایت سیاسی کویت از سیاست عراق در خلیج فارس در مقابل ایران نبود، زیرا کویت

قبلاً حمایت خود را از عراق در بحران ارونردود اعلام کرده بود و درخواست‌های عراق مهم‌تر از آن بود. در جریان مذاکرات مذکور، عراق رسماً از کویت درخواست کرد که به نیروهای عراقی اجازه دهد تا در خاک کویت مستقر شوند تا در صورت حمله احتمالی ایران، از ام‌القصر دفاع کنند. کویت هرچند تمایلی به موافقت با این مسئله نداشت، ولی تحت فشار عراق، به‌ویژه عبدالغفار تکریتی و صالح مهدی عماش، ناگزیر به قبول آن شد و اجازه داد تا نیروهای عراقی در خاک کویت مستقر شوند. شیخ سعد عبدالله سالم الصباح، وزیر دفاع و کشور کویت، اظهار داشت که کویت تحت فشار حاضر به قبول این امر شد، زیرا دو مقام عراقی مذکور اظهار داشتند که جنگ با ایران نزدیک است و اگر کویت با این درخواست موافقت کند، به نیروهای کویتی نیز اجازه داده خواهد شد که در نزدیکی بصره و یا در جای دیگری در عراق مستقر شوند (khadduri, 1968, p.155).

البته، خطر جنگ بهانه‌ای بیش نبود و مقامات عراقی بدین‌وسیله می‌خواستند کویت را تحت فشار قرار دهند. زیرا ژنرال صالح مهدی عماش، معاون نخست‌وزیر و وزیر کشور عراق، به هنگام بحران ارونردود در

۱۹۶۹، در مصاحبه‌ای در بیروت اظهار داشت که دولت متبوع وی بر سر قضیه ارون‌درو با ایران وارد جنگ نخواهد شد. محمدحسین یاسین، سفیر عراق در تهران نیز گفت که عراق عدم تمایل خود را به درگیری نظامی با ایران به اثبات رسانده است.

موافقت کویت با استقرار نیروهای عراقی در خاک این کشور، علاوه بر فشار عراق، به علت مسائل بین‌العربی نیز بود. به اعتقاد کویت، در اختلاف بین یک دولت عرب با یک دولت غیرعرب، باید از دولت عرب حمایت کرد. علاوه بر آن، کویت معتقد بود که حمایت از عراق در اختلافات بین ایران و عراق، حداقل به خاطر حفظ اعتبارش در جهان عرب ضروری است. اما در سال‌های بعد از این مذاکرات، یک «موافقت‌نامه شفاهی» بیرون آمد و عراقی‌ها مدعی شدند که مبنای استقرار نیروهای نظامی آنها در خاک کویت به موجب موافقت‌نامه مذکور بوده است. اما شیخ سعد، وزیر دفاع کویت، اظهار داشت که هیچ‌گونه موافقت‌نامه شفاهی بین دو کشور وجود نداشته و نیروهای عراقی حتی پیش از اینکه مذاکرات بین دو کشور به نتیجه برسد، در خاک کویت مستقر شده بودند.

هرچند در آن زمان جنگی که عراقی‌ها ادعا می‌کردند نزدیک است با ایران شروع شود و آن را بهانه‌ای برای استقرار نیروهای خود در خاک کویت قرار دادند، هرگز به وقوع نپیوست، با این حال عراقی‌ها نیروهای خود را همچنان در خاک کویت نگاه داشتند. در این هنگام، عراق اظهار می‌داشت تا زمانی که اختلاف بین ایران و عراق در مورد ارون‌درو حل نشده است، ضرورت دفاع از ام‌القصر ایجاب می‌کند نیروهای عراقی در خاک کویت باقی بمانند. به این ترتیب، دولت عراق نه تنها نیروهای خود را از خاک کویت بیرون نبرد، بلکه بر تعداد آنها افزود.

متعاقب آن، دولت عراق درصدد برآمد تا در خاک کویت تأسیسات نظامی ایجاد کند. در راستای این هدف، دولت عراق در مارس ۱۹۷۳ یک پادگان نظامی در خاک کویت در محل الصامه ایجاد کرد. دولت کویت به این امر اعتراض کرد و نیروهای آن کشور در ۳۰ مارس ۱۹۷۳ تلاش کردند تا از ساختن این پادگان جلوگیری کنند. اما فرمانده نیروهای عراقی مانع شد و دستور داد که نیروهای کویتی را عقب برانند. سرانجام، در نتیجه برخوردی که بین دو کشور روی داد، دو سرباز کویتی و یک سرباز عراقی کشته شدند. هدف از ایجاد این پاسگاه، کنترل نواحی

ساحلی جنوب ام‌القصر و به عبارت روشن‌تر، مسئله حاکمیت بر جزایر وره و بوبیان بود. جالب آنکه برخوردهای نظامی زمانی روی داد که کویتی‌ها از ۴ فروند کشتی‌های نیروی دریایی عراق در بندرهای خود استقبال می‌کردند (Echo of Iran, 1975, p.169).

تجاوز نیروهای نظامی عراق به خاک کویت و برخورد بین نیروهای نظامی دو کشور در مارس ۱۹۷۳ پیامدهای گسترده‌ای به‌دنبال داشت. عراق در تجاوز به کویت به یک پیروزی سریع و ارزان می‌اندیشید، اما واکنش کویت و برخی از کشورهای منطقه، نیروهای نظامی عراق را از پیشروی در خاک کویت بازداشت. کویت نشان داد که مصمم به مقاومت در مقابل تجاوزات عراق است و لذا نیروهای نظامی آن به سرعت بسیج شدند. متعاقب آن، دولت کویت برای نخستین بار تصمیم به سازماندهی مجدد و بهبود وضع نیروهای خود گرفت. تا آن زمان، نیروهای نظامی کویت اساساً متشکل از واحدهای پیاده نظام نامنظم و کوچک بودند. علاوه بر آن، دولت کویت تعداد نیروهای نظامی خود را به ۱۰ هزار نفر افزایش داد و آموزش نظامی مرتب آنها شروع شد. همچنین مقادیر زیادی تجهیزات نظامی از بلوک شرق و غرب خریداری کرد. این کشور

هزینه‌های نظامی خود را به سرعت افزایش داد؛ به نحوی که بین سال‌های ۱۹۷۳ تا ۱۹۷۶ به ۴/۳ میلیارد دلار رسید. وظیفه اصلی این ارتش کوچک، مقاومت در برابر تجاوز مجدد عراق بود؛ به نحوی که دیپلماسی کویت را قادر سازد در صورت ضرورت، حمایت سایر کشورهای عربی و یا سایر کشورهای جهان را جلب نماید. حمایت کشورهای عربی، توأم با حمایت کشورهای جهان از کویت موجب شد تا عراقی‌ها میانه‌روی در پیش گیرند. ولی کویتی‌ها به‌خوبی آگاه بودند که چنین حمایت‌هایی زمانی بیشتر مؤثر است که کویت خود نشانه‌هایی از مقاومت بروز دهد.

تجاوز عراق به خاک کویت موجب شد تا این کشور موضوع را با جامعه عرب در میان گذارد و خواستار میانجیگری آن شود. در نتیجه، در آوریل ۱۹۷۳ محمود ریاض، دبیر کل جامعه عرب، همراه با نمایندگان عربستان سعودی و سوریه وارد بغداد و کویت شدند و پیشنهاد مساعی جمیله برای حل مسالمت‌آمیز اختلافات بین دو کشور کردند. دولت عراق در حالی پذیرفت نیروهای خود را از خاک کویت فراخواند که حل اختلافات مرزی فقط به عراق و کویت، و نه دیگر کشورها مربوط شود.

برقرار کرد که در این مورد می‌توان از دیدار وزیر امور خارجه ایران از کویت نام برد.

در این میان، شوروی به این علت که هم با عراق و هم با کویت روابط نزدیکی داشت، از بروز واکنش رسمی خودداری کرد؛ هرچند البته، دولت عراق تلاش‌هایی را برای حمایت شوروی از ادعاهای ارضی خود به عمل آورده بود. به فاصله یک روز بعد از برخورد الصامه، یعنی در ۲۱ مارس ۱۹۷۳، صدام حسین به مسکو پرواز کرد. در سوم آوریل ۱۹۷۳ نیز دریاسالار س.گ. گورشکف، فرمانده کل نیروی دریایی شوروی، از بغداد دیدار کرد (بورل، ۱۳۵۵، ص ۴۰۵). در آن زمان، شایع بود که عراق قصد دارد پس از تصرف جزایر وره و بوبیان، آنها را در اختیار شوروی قرار دهد تا این کشور در این جزایر اقدام به تأسیس پایگاه‌های تدارکاتی برای ناوگان خود کند. گفته می‌شد که بین عراق و شوروی توافقی مبنی بر استفاده نظامی از دو جزیره مذکور به عمل آمده و ممکن است این توافق در ضمن پیمان دوستی پانزده ساله عراق و شوروی که در ۱۹۷۲ به امضا رسید، انجام شده باشد.

کشورهای غربی نیز از نشان دادن واکنش خودداری کردند؛ هر چند سیاست‌های توسعه‌طلبانه و جاه‌طلبانه عراق

این امر موجب واکنش شدید شد. عربستان سعودی تصمیم گرفت تا عراق را از بلعیدن همسایه کوچک خود بازدارد. به همین جهت، به رهبران عراق هشدار داد که اندیشه تهاجم به جنوب را در سر نپروانند. پس از آن، گزارش شد که نیروهای عربستان سعودی برای حمایت از کویت در مقابل ادعاهای ارضی عراق به سوی کویت حرکت کرده‌اند. علاوه بر آن، عربستان سعودی تصمیم به ساختن پادگان‌های حفرباطن، واقع در شمال شرقی عربستان و ۴۰ کیلومتری مرز عراق گرفت. یک شهرک نظامی نیز در این ناحیه به نام ملک خالد ساخته شد که ظرفیت استقرار ۷۰ هزار نفر در خود داشت. بی‌تردید ایجاد تأسیسات مذکور ناشی از نگرانی عربستان سعودی از تجاوز عراق به آن کشور نیز بوده است.

پیشروی عراق در خاک کویت، واکنش ایران را نیز به دنبال داشت. مطبوعات ایران سیاست توسعه‌طلبانه عراق را نسبت به کویت با سیاست توسعه‌طلبانه اسرائیل نسبت به کشورهای عربی مقایسه کردند. لذا دولت ایران آمادگی خود را برای دادن کمک نظامی به کویت در صورت تقاضای آن کشور اعلام کرد (Arab Report and Record, 1973, p.157). همچنین روابط نزدیک‌تری با کویت

را نسبت به کویت عامل برهم زننده ثبات رژیم‌های محافظه‌کار و طرفدار غرب در منطقه می‌دانستند. دولت انگلستان که نیروهای خود را از خلیج فارس بیرون برده بود، تمایلی به بازگشت مجدد به منطقه نداشت. سیاست آمریکا نیز به دنبال شکست در ویتنام به اجتناب از پذیرش تعهدات جدید و درگیری‌های نظامی در نقاط مختلف جهان بود. بنابراین، آمریکا تمایلی به دخالت مستقیم یا غیرمستقیم در این مورد نداشت. به این ترتیب، با توجه به شرایط بین‌المللی، رهبران عراق زمان مناسبی را برای تجاوز به کویت انتخاب کرده بودند، اما به نظر می‌رسد که آنها در مورد حمایت عربستان سعودی و ایران از کویت، ارزیابی‌های درستی به عمل نیاورده بودند. به هر حال، به دنبال حمایت قاطع ایران و عربستان سعودی از کویت، نیروهای عراقی از ادامه تجاوز به خاک کویت منصرف شدند.

دو روز بعد از برخورد الصامه، دولت کویت یادداشت اعتراضی برای دولت عراق فرستاد و درخواست کرد که نیروهای عراقی از خاک کویت عقب‌نشینی کنند. دولت عراق در پاسخ اعلام کرد که در مورد مرز بین دو کشور هنوز توافق رسمی حاصل نشده است. کویت فوراً یادداشت دیگری فرستاد و

خواستار مذاکره با دولت عراق شد و اخطار کرد که در صورتی که عراق آماده انجام مذاکره نباشد، مسئله را با سایر کشورهای عرب در میان خواهد گذاشت.

متعاقب آن، وزیر امور خارجه عراق برای مذاکره با مقامات کویتی، در ۶ آوریل ۱۹۷۳، وارد کویت شد. در این مذاکرات، مبنای اظهارات وزیر امور خارجه عراق بیشتر سیاسی بود. وی ادعای عراق نسبت به جزایر وربه و بوبیان و مناطق ساحلی متصل به آنها را تکرار کرد. وزیر امور خارجه عراق اظهار داشت که عراق برای صادرات نفت خود نیاز به ایجاد یک ترمینال نفتی در جزیره بوبیان دارد و افزود که عراق مایل است یک خط لوله انتقال نفت به این ترمینال نیز در خاک کویت احداث کند. کویت در مقابل به توافق‌های ۱۹۶۳ استناد کرد که ظاهراً نامه‌های متبادله در ۱۹۳۲ را تأیید می‌کنند. عراق ادعا می‌کرد که هیچ یک از موارد مذکور از نظر بین‌المللی یک موافقت‌نامه حقوقی الزام‌آور تلقی نمی‌شوند (Litwak, 1981, p.29). توافق ۱۹۶۳ بیشتر مبنی بر شناسایی استقلال کویت بود تا شناسایی مرزهای موجود بین دو کشور. در نامه‌های متبادله ۱۹۳۲ به صراحت جزایر وربه و بوبیان و چند جزیره دیگر در گوشه شمالی خلیج

فارس تحت حاکمیت کویت قرار گرفته است. اما عراق سعی می‌کرد در مورد این مسئله ایجاد شک و تردید کند. در پاسخ به درخواست عراق برای ایجاد یک ترمینال آب عمیق در شمال خلیج فارس، کویت اظهار داشت که اگر چه آب‌های اطراف جزیره بوبیان برای ایجاد چنین تأسیساتی بسیار کم‌عمق است، اما کویت حاضر است اجازه عبور یک خط لوله نفت را از سرزمین‌های خود به یک ترمینال ساحلی بدهد (Meed, 1973, p.29). اما وزیر امور خارجه عراق با ارائه یک پیشنهاد دیگر که برای کویت غیرقابل قبول بود، موجبات شکست مذاکرات سه روزه دو کشور را فراهم آورد (Nytop, 1977, p.237).

در ۲۸ آوریل ۱۹۷۳ دولت عراق یادداشتی برای دولت کویت ارسال کرد که در آن گفته شده بود حل و فصل اختلافات بین دو کشور تنها به منافع عراق و کویت مربوط نمی‌شود، بلکه به منافع و هدف‌های ملی تمام جهان عرب، که حزب بعث و دولت عراق خود را متعهد به دفاع از آن می‌دانند، مربوط می‌شود. علاوه بر آن، دولت عراق اعلام کرد که موافقت‌نامه‌های مرزی سال‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۲۳، که مرز بین دو کشور را تعیین می‌کند، با توجه به اینکه عراق در

سال‌های یادشده تحت نفوذ خارجی بوده و به دلیل اصل تغییر اساسی اوضاع و احوال، بی‌اعتبار است. در مقابل، کویت اعلام کرد که موافقت‌نامه‌های مرزی مذکور هنوز معتبر و الزام‌آورند.

تلاش دیگر دولت کویت برای حل اختلافات مرزی بین دو کشور در سال ۱۹۷۳ نیز با شکست مواجه شد. شیخ جابر احمد الصباح، ولیعهد و نخست وزیر کویت، بین ۲۰ تا ۲۲ اوت ۱۹۷۳ بازدید رسمی از عراق به عمل آورد و تلاش کرد مقامات عراقی را ترغیب کند اختلافات بین دو کشور را حل و فصل نمایند تا راه برای توسعه همکاری‌های سیاسی و اقتصادی بین دو کشور هموار شود. اما رهبران عراق تأکید کردند در صورتی که کویت جزایر ورهبه و بوبیان را به عراق واگذار کند، یا آنها را برای بلندمدت به عراق اجاره دهد، حاضرند مرزهای بین دو کشور را فقط به صورت دوفاکتو به رسمیت شناسند. تلاشی که با رد آن از طرف کشور کویت به بن‌بست رسید. از آن پس، نیروهای نظامی عراق سه بار دیگر به خاک کویت تجاوز کرده و پیش‌روی جزئی کردند تا مقامات کویتی را برای دست کشیدن از دو جزیره مذکور تحت فشار قرار دهند. اما هر بار با مقاومت شدید کویتی‌ها مواجه شدند.

۲-۲. ادعاهای عراق نسبت به کویت (۸۰-۱۹۷۵)

بعد از توافق ایران و عراق در مارس ۱۹۷۵، گفته می‌شد که عراق موضع معتدل‌تری در مذاکره با مقامات کویتی در مورد اختلافات خود با این کشور در پیش گرفته است، زیرا مایل است که کشورهای خلیج فارس اجازه دهند تا در پیمان مربوط به امنیت این منطقه نقشی بر عهده گیرد. آنچه این نظریه را تقویت می‌کرد، سیاست معتدل‌تر عراق بعد از حل و فصل اختلافات خود با ایران در روابط خارجی خود بود؛ به‌گونه‌ای که روابط خود را با کشورهای محافظه‌کار و طرفدار غرب در منطقه مانند عربستان سعودی، مصر و اردن بهبود بخشید. در همان سال، موافقت نامه‌ای در مورد حل و فصل اختلافات مرزی خود در منطقه بی‌طرف با عربستان سعودی به امضا رساند. همچنین به دنبال دیدار انورسادات، رئیس جمهوری مصر، از کویت و بغداد در مه ۱۹۷۵ گفته شد که کویت نیز موضع معتدل‌تری در پیش گرفته و مایل است در مورد اجاره قسمتی از سرزمین‌های خود در مقابل انتقال آب از اروندرود به کویت مذاکره کند. اما این امیدواری‌ها دیری نپایید و به زودی جای خود را به بدبینی داد، زیرا نخستین گام در

راه بهبود روابط عراق و کویت این بود که عراق نیروهای خود را از خاک کویت، که از ۱۹۶۹ در آن کشور مستقر شده بودند، فرا خواند.

با امضای عهدنامه مرزی و حسن همجواری ۱۹۷۵ که به اختلافات مرزی ایران و عراق در مورد اروندرود خاتمه داد، دولت عراق برای توجیه حضور نیروهایش در باریکه ساحلی کویت، در جنوب ام‌القصر، به طور روز افزونی با مشکل روبه‌رو شد؛ زیرا بهانه‌های عراق برای ادامه حضور نیروهایش به‌منظور دفاع از بندر ام‌القصر از بین رفت. در این هنگام، دولت کویت استدلال می‌کرد که دلیل استقرار نیروهای عراق در خاک کویت قبل از ۱۹۷۵ به منظور دفاع از بندر ام‌القصر در مقابل حملات احتمالی ایران بود، ولی حال که ایران و عراق اختلاف‌های خود را با یکدیگر حل و فصل کرده‌اند، دیگر به ادامه حضور نیروهای عراقی در خاک کویت نیازی نیست و این نیروها باید از خاک کویت فراخوانده شوند. علاوه بر آن، کویت معتقد بود که بعد از حل و فصل اختلافات مرزی بین ایران و عراق، که به رفع تنشج در منطقه کمک کرد، ادعای امنیتی عراق برای حاکمیت بر دو جزیره بویان و وره غیرمنطقی و بی‌اساس است. به این ترتیب، از

است که عراق به عنوان یک کشور خلیج فارس قادر باشد هم از خود و هم از همسایگانش در مقابل تهدید خارجی دفاع کند. مهم‌تر اینکه، صدام حسین روشن ساخت هر گونه تحدید حدود مرزهای عراق و کویت باید بر اساس نیازهای دفاعی و امنیتی عراق صورت گیرد. در غیر این صورت، هیچ گونه تحدید حدودی انجام نخواهد شد (Abdulghani, 1984, p.159)

کویت درخواست‌های عراق مبنی بر واگذاری و یا اجاره جزایر ورهبه و بوبیان را رد کرد و شروع به احداث تأسیسات، پاسگاه و استقرار نیروهای خود در جزایر مذکور نمود. کویت استدلال می‌کرد که این جزایر بخش کوچکی از سرزمین کویت نیستند، بلکه تقریباً یک‌چهارم کل وسعت کویت را تشکیل می‌دهند. علاوه بر آن، این جزایر به قدری به سواحل کویت نزدیک هستند که کنترل آنها به وسیله یک دولت خارجی نه تنها حاکمیت کویت را به مخاطره می‌اندازد، بلکه امکان دارد کویت را درگیر اختلاف با همسایگان خود کند؛ مسئله‌ای که کویت مایل به آن نیست.

موضوع جزایر در پارلمان کویت نیز در ۱۲ ژوئیه ۱۹۷۵ مورد مذاکره قرار گرفت و پارلمان کویت بر حاکمیت این کشور بر

نظر کویتی‌ها، دلایل عراق در مورد دو جزیره مذکور متزلزل شد. در حالی که، عراقی‌ها ادعا می‌کردند که با تعیین خط تالوگ به عنوان مرز ایران و عراق در اروندرود طبق عهدنامه مرزی و حسن همجواری ۱۹۷۵ نیاز عراق به ایجاد یک بندر آب عمیق در جزیره بوبیان افزایش یافته است و لذا از نظر عراقی‌ها، واگذاری دو جزیره مذکور به عراق ضروری بود. به همین جهت، فشار عراق به کویت برای واگذاری حاکمیت دو جزیره مذکور و یا اجاره دادن آن به صورت ۹۹ ساله افزایش یافت (Washington post, 1975, p.28)

در جریان مذاکرات رسمی و غیررسمی بین دو کشور، دولت عراق پذیرفت که تهدید جنگ بین ایران و عراق از میان رفته است، اما ادعا کرد که بندر ام‌القصر هنوز نیاز به دفاع در مقابل حملات احتمالی آینده دارد. عراق خاطر نشان کرد که آماده است موافقت‌نامه‌های قبلی منعقدشده بین دو کشور را بپذیرد، مشروط بر اینکه دولت کویت جزایر ورهبه و بوبیان را که فاقد سکنه هستند و مورد استفاده کویت نیستند، برای بلندمدت به این کشور اجاره دهد. صدام حسین ادعا کرد که هدف عراق توسعه ارضی به زیان کویت نیست، بلکه هدف بیشتر این

جزایر مذکور، که طبق موافقت‌نامه‌های بین‌المللی در داخل خاک کویت قرار گرفته بود، تأکید کرد. مقامات مسئول کویتی اظهار داشتند که کویت همیشه یک سیاست صلح و بی‌طرفی را با همسایگانش در پیش گرفته است و تقاضای عراق برای استفاده از جزایر مذکور به منظور مقاصد نظامی با سیاست بی‌طرفی این کشور مغایرت دارد. مقامات کویتی پیشنهاد کردند که اگر عراق به بندرهای کویت برای مقاصد بازرگانی نیاز داشته باشد، این کشور می‌تواند تمام تسهیلات لازم را در اختیار عراق قرار دهد و حتی کمک‌های اقتصادی نیز به این کشور اعطا کند. اما رد آن توسط عراق، کویتی‌ها را نسبت به مقاصد و انگیزه‌های همسایه عرب خود مشکوک کرد. متعاقب آن، تجاوز نیروهای عراقی به خاک کویت و برخوردهای مرزی بین دو کشور از سر گرفته شد. تحرکات نیروهای عراقی در مرزهای بین دو کشور، در سپتامبر ۱۹۷۶، و از سرگیری حفاری چاه نفت در منطقه جیرفان، در سرزمین‌های مورد اختلاف، در اوایل ۱۹۷۷، موجب برخوردهای نظامی بین نیروهای دو کشور شد و این امر روابط بین عراق و کویت را تیره کرد.

اما این تیرگی روابط دیری نپایید، زیرا به دنبال بهبود آشکار روابط عراق با همسایگانش، که به‌ویژه از ۱۹۷۵ شروع شده بود، روابط عراق با کویت به نحو قابل ملاحظه‌ای بهبود یافت. چندین عامل در بهبود روابط دو کشور مؤثر بود: نخست آنکه عراق خواستار ایفای یک نقش سیاسی فعال در منطقه بود. ادامه ادعاهای عراق نسبت به کویت، از امکان ایفای چنین نقشی جلوگیری کرده و این مسئله در میان کشورهای خلیج فارس، سوءظن‌هایی را در مورد مقاصد و هدف‌های نهایی عراق ایجاد کرده بود. بنابراین، در این زمان بغداد لازم می‌دید ادعاهای خود را نسبت به کویت به‌طور موقت مسکوت گذارد. دوم آنکه با سفر سادات، رئیس جمهوری مصر، به بیت‌المقدس و شناسایی اسرائیل و انعقاد موافقت‌نامه‌های کمپ دیوید، مصر در جهان عرب منزوی شده بود و بغداد تلاش می‌کرد تا رهبری جهان عرب را در دست گیرد. انزوای سیاسی مصر، مرکز سنتی جهان عرب، مواضع عراق را در منطقه تقویت کرد.

گام دیگری که عراق برای رفع سوءظن کشورهای ساحلی خلیج فارس برداشت، وارد کردن ضربه به حزب کمونیست عراق بود. این امر از نظر رژیم‌های محافظه‌کار و

کشور برای حل و فصل اختلافات مرزی در ژوئیه ۱۹۷۷ اعلام کرده بود (Nyrop, 1977, p.237). با این حال، هیچ‌گونه موافقت‌نامه‌ای در مورد حل و فصل اختلافات مرزی بین دو کشور به امضا نرسید و به این ترتیب، اختلافات مرزی بین آنها همچنان حل نشده باقی ماند. از آن پس، دو کشور توجه خود را به توسعه همکاری‌های اقتصادی و بازرگانی بین خود معطوف کردند.

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، عراق گام‌های دیگری برای نزدیکی با کویت و سایر کشورهای ساحلی خلیج فارس برداشت. این کشور تلاش می‌کرد تا به دولت‌های مذکور بقبولاند که در مقابل تهدید ایدئولوژیک انقلاب ایران با عراق منافع مشترک دارند. در این زمینه، عراق اعلام داشت با هر کوششی که به منظور متزلزل و بی‌ثبات کردن کشورهای خلیج فارس انجام شود، از طریق نظامی مقابله خواهد کرد. لذا در حالی که اختلاف در مورد جزایر ورهبه و بوبیان هنوز پابرجا بود، خصومت رژیم عراق با ایران دوباره آغاز شد. اما این بار، برخلاف ۱۹۶۹ موقتاً عراق درخواست اجازه استقرار نیروهایش را در خاک کویت برای دفاع از ام‌القصر اعلام نکرد. این اقدام که جنبه تاکتیکی داشت، نگرانی کویتی‌ها را از ادغام

پادشاهی کشورهای ساحلی خلیج فارس مثبت تلقی و نشانه دور شدن عراق از شوروی محسوب می‌شد. تهدید ایدئولوژی‌های خارج از منطقه، همیشه موجب نگرانی این کشورها بوده است. همچنین، عراق سیاست شوروی در افغانستان بعد از کودتای آوریل ۱۹۷۸ را محکوم کرد و در شاخ آفریقا بر خلاف شوروی که از اتیوپی دفاع می‌نمود، به اتفاق عربستان سعودی از سومالی حمایت کرد.

با توجه به شرایط جدیدی که به آن اشاره شد، بار دیگر دولت کویت شروع به حل و فصل اختلافات مرزی بین دو کشور کرد. به همین جهت، مذاکرات دو کشور در این زمینه طی سال‌های ۱۹۷۷ و ۱۹۷۸ ادامه یافت. در نتیجه مذاکرات مذکور، دولت عراق موافقت کرد که نیروهای خود را بعد از حدود ده سال از خاک کویت فراخواند. طارق عزیز، وزیر اطلاعات عراق، اظهار داشت که دو کشور برای حل و فصل اختلافات مرزی به توافق رسیده و موافقت کرده‌اند که نیروهای خود را به مسافت یک کیلومتر از مرز مورد اختلاف به عقب فراخوانند (Arab Report and Memo, 1977, p.15).

هر چند دولت عراق موافقت خود را با تشکیل کمیسیون مشترکی از وزیران دو

کشور خود در عراق کاهش داد (Litwak, 1981, p.32).

۲-۳. ادعاهای عراق نسبت به کویت (۹۰-۱۹۸۰)

با تجاوز عراق به ایران، در سپتامبر ۱۹۸۰، بار دیگر دولت بغداد بهانه خوبی به دست آورد تا دوباره ادعاهای خود را نسبت به کویت، به ویژه جزایر وره و بوبیان مطرح کند. عراق اظهار می داشت که جنگ با ایران اهمیت داشتن سواحل بیشتر را برای آن کشور آشکار ساخته و اهمیت جغرافیایی کویت را به خوبی برای عراق روشن کرده است. در واقع، نیروی دریایی ایران به خوبی توانست نیروی دریایی عراق را از فعالیت باز دارد و آنها را در پناهگاه های خود محصور کند و اجازه خروج به آنها ندهد، زیرا نیروی دریایی ایران در طول جنگ بر آب های خلیج فارس مسلط بود و نیروی دریایی عراق به هیچ وجه قادر به مبارزه و رقابت با آن نبود.

دولت عراق در ۱۹۸۰ با عنوان کردن تهدیدات ایران، سعی کرد موافقت دولت کویت را برای اجاره نمود و نه ساله جزیره بوبیان به دست آورد. در این زمان، عامل ژئوپولیتیک اهمیت بیشتری از سایر عوامل کسب کرده بود. عراقی ها تلاش می کردند کویت را متقاعد سازند که پیشنهاد آنها را

مبنی بر حل و فصل نهایی اختلافات مرزی در مقابل اجاره جزایر بپذیرد. به همین منظور، دولت عراق در ۱۰ فوریه ۱۹۸۰ سعدون شاکر، وزیر کشور را برای مذاکره به کویت فرستاد. وی در مذاکره با مقامات کویتی اجاره جزایر وره و بوبیان را در مقابل تحدید حدود مرزها تقاضا کرد (Arab Times, 1981, p.12). اما دولت کویت حاضر نشد پیشنهاد وی را بپذیرد. در نتیجه، مذاکرات شاکر با مقامات کویتی بدون اخذ نتیجه پایان یافت و وی کویت را ترک کرد. مقامات رسمی کویت حتی قبل از دیدار سعدون شاکر به صراحت اعلام کرده بودند که نمی توانند پیشنهاد عراق را مبنی بر اجاره دادن جزایر وره و بوبیان به صورت بلندمدت بپذیرند (wright, 1983, p.184).

از طرف دیگر، در ۱۹۸۱ کتابی تحت عنوان «پژوهشی جغرافیایی در جزایر خلیج فارس» توسط چاپخانه «الحریه بغداد» که یک بنگاه انتشاراتی دولتی است، انتشار یافت. در این کتاب، جزایر وره و بوبیان جزو قلمرو عراق قلمداد شده و ضمن ابراز تردید نسبت به حاکمیت کویت بر جزیره فیلکا، آمده است که ساکنان این جزیره عراقی الاصل بوده و از منطقه فاو عراق آمده اند. همچنین در کتاب مذکور، با توجه

به ریشه اختلافات میان عراق و کویت، با لحن تهدیدآمیزی نوشته شده بود که مسائل موجود در رابطه با نزاع حاکمیت بر جزایر خلیج فارس که تاکنون حل نشده، منبع کشمکش‌های سیاسی آینده خواهد بود.

به هر حال دولت عراق برای متقاعد کردن کویت جهت واگذاری جزایر مذکور همچنان تلاش می‌کرد. در فوریه ۱۹۸۱، براساس درخواست عراق، مذاکراتی بین دو کشور در مورد مرزها صورت گرفت. در این مذاکرات، بار دیگر عراق مسئله تحدید حدود مرزها را در مقابل اجاره جزایر مطرح کرد، اما دولت کویت حاضر به قبول بررسی «ترتیبات جدید» نشد و تلاش عراقی‌ها به نتیجه نرسید (Meed, 1981, p.23). پس از آن، دولت عراق برای وادار کردن کویت به قبول درخواست‌های خود به استفاده از سیاست «تهدید و تحیب» روی آورد. صدام حسین بعد از انفجارات بمب در کویت در اواخر ژوئن ۱۹۸۱، اخطار داد که فلسطینی‌ها و کسان دیگری که در عراق زندگی می‌کنند، نباید روابط این کشور را با دولت‌های عرب و به‌ویژه با کویت که عراق با آنها «روابط برادرانه نزدیک» دارد، به مخاطره اندازند. وی اظهار داشت که عراق آماده است دو نفر فلسطینی را که در انفجارات بمب در کویت

دست داشته و به عراق فرار کرده‌اند، «اگر این امر در جهت منافع کویت باشد» دستگیر و تسلیم کویت کند. ولی در همان زمان صدام حسین به طور آشکار در مصاحبه با یک روزنامه‌نگار کویتی دوباره درخواست عراق مبنی بر اجاره نود و نه ساله بوبیان را تکرار کرد. وی گفت عراق می‌خواهد در بخشی از جزیره بوبیان - و یا بخش‌های دیگری از خاک کویت - اگر مناسب باشد - یک پایگاه دریایی «برای دفاع از عراق و کویت» تأسیس کند. صدام حسین بار دیگر خطاب به روزنامه‌نگار کویتی تأکید کرد: «حل و فصل مسئله مرزی کاملاً در دست‌های برادران کویتی ماست. این امر نیاز به اتخاذ تصمیم از طرف شما (کویت) دارد» (Nonneman, 1986, pp.41-42).

اما مقامات کویتی در این مورد هیچ‌گونه واکنش رسمی از خود نشان ندادند. پس از آنکه سیاست تهدید و تحیب عراق نیز به نتیجه نرسید، ظاهراً صدام حسین به روش دیگری متوسل شد. وی در تابستان ۱۹۸۱ تمایل عراق را برای به دست آوردن نوعی کنترل بر جزایر وره و بوبیان برای مدت ۵ سال بیان داشت؛ هر چند آشکار بود هدف واقعی این کشور اجاره جزایر مذکور به صورت بلندمدت یا نود و نه ساله است. دولت

کویت که اطمینان نداشت بعد از ۵ سال نیروهای عراقی از جزایر مذکور عقب نشینی کنند، با درخواست عراق مخالفت کرد. یک ماه بعد، طارق عزیز، وزیر امور خارجه عراق، برای کاهش نگرانی کویت اعلام کرد: «امنیت کویت، امنیت ماست».

پس از آن، دولت عراق برای اینکه بتواند همچنان کمک‌های مالی از کویت دریافت کند، تلاش کرد تا مسئله اختلافات مرزی را به عنوان «اختلافات کم اهمیت» جلوه دهد. حمید الوان، مشاور رئیس جمهور عراق در امور خارجی، در مصاحبه‌ای با روزنامه کویتی السیاسة، در ۲۲ دسامبر ۱۹۸۱ اظهار داشت که مسئله مرزی بین عراق و کویت «اختلاف کوچکی» است. به هر حال، با توجه به کمک‌های مالی بسیار زیادی که کویت در جریان جنگ در اختیار عراق قرار می‌داد و نیز با عنایت به اتکای لجستیکی بغداد به کویت، عراق ناگزیر شد طی سال‌های ۸۴-۱۹۸۰ از وارد آوردن فشار به کویت جهت وادار ساختن این کشور به قبول درخواست‌هایش، خودداری کند. بنابراین، عراق از این پس تا ۱۹۸۴ دیگر مسئله اجاره جزایر مذکور را مطرح نکرد؛ هر چند آشکار بود که این اقدام عراق کاملاً جنبه تاکتیکی دارد.

از طرف دیگر، کویت نیز کاملاً روشن ساخته بود که به هیچ وجه قصد واگذاری جزایر خود به عراق را ندارد. کویت برای تأکید حاکمیت خویش بر جزیره بوبیان، در اوایل سپتامبر ۱۹۸۲ قرارداد مربوط به مطالعات توجیهی اولیه برای توسعه این جزیره را امضا کرد (Meed, 1982, p.4). به موجب این قرارداد، در اواسط اکتبر ساختن یک پل بین بوبیان و سرزمین اصلی کویت آغاز شد. ساختمان این پل، که یک «طرح انقلابی» نامیده شد، در مدت پنج ماه به اتمام رسید (Meed, 1982, p.15). این پل ۳۰ کیلومتر طول داشت و ۱ میلیارد دلار برای احداث آن هزینه شد. بی‌تردید، تسریع غیرقابل انتظار در اجرای این پروژه توسط کویت یک دلیل سیاسی داشت: کویت می‌خواست به این وسیله به اظهارات عراقی‌ها مبنی بر اینکه این جزایر فاقد سکنه هستند، تأسیساتی در آن وجود ندارد و فاقد راه‌های ارتباطی هستند، پاسخ داده و این بهانه را از آنها بگیرد.

در کویت برخی معتقد بودند که با توجه به کمک‌های مالی و لجستیکی کویت به عراق در جریان جنگ با ایران، این کشور باید از این موقعیت برای تحدید حدود مرزهای خود با عراق استفاده کند. به همین جهت،

در ژانویه ۱۹۸۳ چند نفر از نمایندگان پارلمان کویت از دولت درخواست کردند که برای تحدید حدود نهایی مرزها، تماس‌هایی با دولت عراق برقرار سازد. اما دولت کویت از اینکه ممکن است این مسئله بار دیگر سبب طرح تقاضای عراق برای اجاره جزایر مذکور شود، از برقراری هرگونه تماس با دولت عراق در این خصوص خودداری کرد.

از ۱۹۸۴ به بعد، دولت عراق بار دیگر به طور جدی مسئله اجاره جزایر وربه و بوییان را پیگیری کرد. دولت عراق به این مسئله وقوف کامل پیدا کرده بود که دولت کویت مایل است تا آنجا که امکان دارد هر چه زودتر تحدید حدود نهایی مرزهای بین دو کشور صورت گیرد. اما دولت عراق می‌خواست از این امر به عنوان وسیله‌ای برای گرفتن امتیاز در مورد جزایر وربه و بوییان استفاده کند. در سوم مه ۱۹۸۴، صدام حسین در یک مصاحبه طولانی با روزنامه الوطن، چاپ کویت، وجود هرگونه اختلاف در روابط عراق با کویت را رد کرد و تأکید نمود که روابط رسمی بین دو کشور «عالی» است. وی اظهار داشت: «عراق همیشه آماده بوده و اکنون نیز آماده است تا مرزهای خود را با کویت تحدید کند». وی افزود: «زمانی که جو برای این اقدام مناسب گردد» این مسئله

می‌تواند حل شود. بدون شک، منظور وی از ایجاد جو مناسب، موافقت کویت با پیشنهاد عراق مبنی بر اجاره جزایر وربه و بوییان بود (Nonneman, 1986, p.75).

در سال ۱۹۸۴ ایران توانست به یک پیروزی بزرگ بر عراق دست یابد. ایران طی یک عملیات نظامی موفق شد ۷۶ مایل مربع از سرزمین‌های نفت‌خیز جزایر مجنون در باتلاق‌های هویزه را که ۵۰ حلقه چاه نفت بهره‌برداری نشده در آن قرار داشت، تصرف کند. دولت عراق از این امر به عنوان بهانه‌ای برای اعمال فشار بر کویت جهت وادار کردن این کشور به قبول درخواست‌های خود مبنی بر اجاره جزایر مذکور استفاده کرد. دولت عراق ادعا می‌کرد که برای دفاع از سرزمین خود و کویت به جزایر مذکور نیاز دارد و در صورتی که کویت با اجاره جزایر مذکور موافقت نکند، آنها را بزور تصرف خواهد کرد.

فشار عراقی‌ها به حدی زیاد بود که کویت برای نخستین بار ناگزیر شد به برخی از تقاضاهای عراق تن در دهد. در جریان دیدار شیخ سعد عبدالله السالم الصباح، ولیعهد و نخست وزیر کویت، از بغداد که در نوامبر ۱۹۸۴ انجام شد، گزارش شد که بین عراق و کویت در مورد جزایر توافق حاصل شده و کویت سه جزیره استراتژیک وربه و

بویان و فیلکا را در اختیار عراق قرار داده است (Keesing's Contemporary Archives, 1985, p.9). کویت در مقابل این امر هیچ‌گونه امتیازی از عراق برای تحدید حدود نهایی مرزهای دو کشور نگرفته بود. به هر حال، تردیدی نیست که شیخ سعد تحت فشار شدید عراقی‌ها حاضر به قبول این امر شده بود، زیرا وی مسافرت دو روزه خود را به بغداد «کاملاً مایوسانه» توصیف کرده بود. گفته می‌شود که صدام حسین به او گفته بود که دولت وی استقلال کویت را به رسمیت شناخت، «به رغم این حقیقت که مردم عراق مخالف این امر هستند» (The Middle East, 1985). علاوه بر آن، در اواخر نوامبر ۱۹۸۴ گزارش شد که سربازان عراقی از مرز کویت عبور کرده، وارد خاک این کشور شده و در منطقه مورد اختلاف، تجهیزات ضد هوایی نصب کرده‌اند (The Middle East, 1984).

به هر حال، بعد از اینکه دولت کویت جزایر مذکور را در اختیار عراق قرار داد، ایران به کویت اخطار کرد که با آتش‌بازی نکند و اعلام داشت که اگر فردا این جزایر را تصرف کند، کویت هیچ‌گونه ادعایی نسبت به آنها نباید داشته باشد. کویت برای سرپوش گذاشتن بر واگذاری جزایر مذکور به عراق در

۱۹۸۵ بویان را منطقه خارج از عملیات جنگی اعلام کرد. دولت کویت همچنین اعلام داشت که نیروهای نظامی به‌ویژه دفاع ضدهوایی خود را در جزیره بویان مستقر کرده است. تا زمانی هم که جنگ عراق و ایران ادامه داشت، این امر بهانه خوبی بود تا عراق بتواند سیاست‌های توسعه‌طلبانه خود را نسبت به کویت توجیه کند و از حل و فصل اختلافات مرزی خود با این کشور طفره رود، اما پس از برقراری آتش‌بس در جنگ هشت ساله عراق و ایران، این بهانه نیز از میان رفت. از آن زمان، دولت کویت به طور مکرر از عراق درخواست می‌کرد تا دو کشور اقدام به تحدید مرزهای خود کنند. تلاش‌های کویت در این مورد تا حد فشار علنی نسبت به عراق جلوه‌گر شد؛ به نحوی که عراق ناگزیر شد با درخواست کویت موافقت کند. در همین راستا، در جریان سفر سمیر عبدالرزاق، وزیر کشور عراق، به کویت در اوت ۱۹۸۸ طرفین موافقت کردند کمیته مشترکی متشکل از نمایندگان آنها برای تحدید حدود مرزهای زمینی بین دو کشور تشکیل شود. اما بعدها دولت عراق این امر را مشروط به واگذاری جزیره بویان به عراق کرد و با این اقدام موجب شد تا توفیقی در این مورد حاصل نشود. متعاقب آن، در اکتبر ۱۹۸۸ واحدهایی

از ارتش عراق تا عمق ۲۰ کیلومتری خاک کویت پیشروی کردند، اما در پی فشارهای منطقه‌ای و بین‌المللی مجبور به ترک خاک کویت شدند و به پشت مرزهای بین دو کشور عقب‌نشینی کردند. مطبوعات کویت نیز یک جنگ تبلیغاتی علیه عراق به راه انداختند که موجب خشم و غضب صدام حسین شد.

در فوریه ۱۹۸۹ شیخ سعد عبدالله، ولیعهد و نخست وزیر کویت، از بغداد دیدار کرد و برای چندمین بار از عراق درخواست کرد تا راه‌حلی برای پایان دادن به اختلافات مرزی دو کشور جستجو کند. اما صدام حسین در جریان مذاکره با نخست وزیر کویت از امضای هرگونه موافقت‌نامه‌ای در خصوص تحدید حدود مرزهای دو کشور طفره رفت. او طی مصاحبه‌ای به شکوه و شکایت از امیر کویت پرداخت و گفت: «ما امیدوار بودیم که بعد از پایان جنگ، امیر کویت از عراق دیدار کند». شیخ جابر الاحمد الجابر الصباح، امیر کویت، نیز با اشاره به تلاش‌های نافرجام کویت برای تحدید مرزهای دو کشور گفت: «کویت برای کسانی که خواهان بلعیدن آن هستند، لقمه چربی نخواهد بود» (اطلاعات سیاسی - اقتصادی، بهمن و اسفند ۱۳۶۷، ص ۳۰).

متعاقب آن، دولت کویت شروع به اجرای طرح‌های عمرانی در جزایر وربه و بوبیان به منظور تأکید بر حاکمیت خود کرد. دولت کویت همچنین تصمیم گرفت سه شهرک مسکونی در گذرگاه‌های مرزی خود در مناطق عبدلی، سالمی و نویصیب، در شمال، غرب و جنوب این کشور احداث کند. ظرفیت شهرک مسکونی که در مجاورت مرز عراق تأسیس می‌شد، حدود ۱۰۰ هزار نفر بود. دولت کویت تلاش می‌کرد با احداث شهرها و اجرای طرح‌های عمرانی در نواحی مرزی، خطوط مرزی خود را بر روی زمین با کشورهای همجوار تثبیت کند.

در سپتامبر ۱۹۸۹ دولت عراق از تأسیس یک شهرک جدید در خاک کویت جلوگیری کرد. کویت قصد داشت این شهرک را در ۲۰ کیلومتری مرز عراق و در محلی که مورد اختلاف دو کشور نبود، تأسیس کند. دولت عراق احتمال انجام عملیات نظامی در منطقه مذکور، در صورت وقوع جنگ با همسایگانش را بهانه تصمیم خود ذکر کرد. اما مقامات کویت اظهار داشتند که به اعتقاد آنها این ادعا منطبق با واقعیت نیست.

متعاقب این حادثه، شیخ جابر الاحمد الجابر الصباح، امیر کویت، در اواخر سپتامبر ۱۹۸۹ دیداری رسمی (سه روزه) از بغداد به

عمل آورد. دیدار امیر کویت از بغداد، نخستین دیدار وی ظرف ده سال گذشته بود. در جریان دیدار امیر کویت از عراق، اختلافات مرزی دو کشور نیز مورد مذاکره قرار گرفت، اما وزیر امور خارجه کویت به منظور جلوگیری از تیره شدن روابط دو کشور، دیدار امیر کویت از بغداد را تنها دیداری تشریفاتی و برادرانه معرفی کرد و اظهار داشت که این دیدار هیچ‌گونه ارتباطی با مسئله اختلافات مرزی میان دو کشور ندارد.

در هر صورت، مخالفت عراق مانع از ایجاد شهرک‌های جدید نشد. در مارس ۱۹۹۰ دولت کویت با زمین زدن کلنگ، اولین سنگ بنای طرح ایجاد یک ایستگاه تولید نیروی برق و تصفیه آب شیرین در شمال کشور را به‌عنوان نخستین گام برای احداث شهرک نوساز «صبیه» واقع در مجاورت مرز عراق برداشت. این شهرک در ۴۵ کیلومتری مرزهای عراق و در مجاورت جزیره کویتی بوبیان واقع است. همان‌طور که گفته شد، هدف از احداث این شهرک و همچنین ایجاد مناطق تفریحی، گردشگاه و پلاژهای توریستی در جزیره استراتژیک بوبیان، پیش از آنکه فعالیت‌های عمرانی و اقتصادی باشد، به‌مثابه یک هدف سیاسی و

امنیتی برای این دولت به شمار می‌رفت و آن تثبیت حاکمیت سیاسی کویت بر این جزیره بود.

دولت کویت در ۱۹۸۸ برای تشویق مردم به اسکان در منطقه صبیّه، اعلام کرد سرمایه‌گذاری‌های عظیمی به ارزش میلیاردها دلار برای طرح‌های عمرانی، خدماتی و ارتباطی در نظر گرفته است. در چهارچوب این طرح‌ها، دولت اعلام کرد در این منطقه دانشگاه، کارخانجات صنایع سبک، هتل، مراکز توریستی و تفریحی و یک پارک ملی به مساحت ۲۸۰ هکتار احداث خواهد کرد. دولت کویت همچنین جنوب جزیره بوبیان را به یک منطقه مسکونی تبدیل کرد و آن را از انزوای سیاسی و جغرافیایی خارج نمود. این دولت مصمم بود که به‌رغم عدم حل و فصل اختلافات مرزی با عراق، مقاصد و تمایلات توسعه‌طلبانه بغداد را برای گرفتن بخش‌هایی از خاک این کشور نادیده بگیرد. زیرا گذاشتن نخستین سنگ بنای پروژه تولید نیروی برق و تصفیه آب در منطقه صبیّه توسط وزیر آب و برق کویت، حاکی از تعهد و پایبندی این کشور به اعمال حاکمیت سیاسی بر تمامی قلمرو آن بود.

با این حال، هیچ یک از سیاست‌های کویت مانع مطامع توسعه‌طلبانه عراق نشد و

مانده است. از آنجا که ژئوپولیتیک عاملی تأثیرگذار و پایدار در سیاست خارجی عراق است، لذا قابل تصور خواهد بود که آ‌زهای سرزمینی عراق نسبت به کویت در آینده نیز ادامه یابد.

فهرست منابع

۱. بهزادی، حمید (۱۳۵۲)، *اصول روابط بین‌الملل و سیاست خارجی*، تهران: انتشارات کتابفروشی دهخدا.
۲. بولر، ر. م. (۱۳۵۵)، «روش‌های سیاسی کشورهای عربی ساحلی در منطقه خلیج فارس» در کتاب *خلیج فارس و اقیانوس هند در سیاست بین‌الملل*، ویراستار و مترجم عباس امیری، تهران: مؤسسه پژوهش‌های سیاسی و اقتصادی بین‌المللی.
۳. جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۷۶)، *بررسی تاریخی اختلافات ایران و عراق*، چاپ سوم، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
۴. جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۷۴)، *تحولات مرزها و نقش ژئوپولیتیک آن در خلیج فارس*، تهران: نشر قومس.
۵. جعفری ولدانی، اصغر (۱۳۷۷)، *تحدید فلات قاره در مناطق شمالی خلیج فارس*، مجله *سیاست خارجی*، سال دوازدهم، شماره ۴.
۶. دوئرتی، جیمز و فالتزگراف، رابرت (۱۳۷۲)، *نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل*، ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی، تهران: نشر قومس.
۷. درایسدل، آلسدیر و بلیک، جرالداچ (۱۳۶۹)، *جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا*، ترجمه دره‌میرحیدر (مهاجرانی) تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۸. عزتی، عزت‌الله (۱۳۷۱)، *ژئوپولیتیک*، تهران: سمت.

تنگناهای ژئوپولیتیکی عراق همچنان خطری برای کویت بود. تجاوز عراق به ایران اهمیت استراتژیک کویت را برای عراق بیشتر از گذشته آشکار ساخت. کویت به منزله دریچه‌ای برای نگرستن عراق به خلیج فارس است و این کشور مایل بود این دریچه را به هر نحوی به تصاحب خود درآورد. تا اینکه سرانجام دولت عراق در دوم اوت ۱۹۹۰ کویت را اشغال و آن را به عنوان استان نوزدهم، ضمیمه خاک خود کرد.

فرجام

مکیندر و هاوس هوفر معتقدند که موقعیت جغرافیایی در واقع تمام سیاست خارجی یک کشور را شکل می‌دهد. ناپلئون نیز بر این باور بود که سیاست خارجی یک کشور به‌وسیله موقعیت جغرافیایی آن تعیین می‌شود. نظریه مکیندر و هاوس هوفر در مورد عراق مصداق عینی دارد. موقعیت جغرافیایی عراق در خلیج فارس، نقش مهمی در سیاست خارجی آن ایفاء می‌کند. عراق با یک تنگنای ژئوپولیتیکی در خلیج فارس روبروست و کویت می‌تواند این مشکل ژئوپولیتیکی عراق را از میان بردارد. به همین دلیل، عراق در سال ۱۹۹۰ کویت را به اشغال خود درآورد و اکنون با آزادی کویت، تنگناهای ژئوپولیتیکی عراق همچنان بر جای

۹. قوام، عبدالعلی (۱۳۷۲)، *اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل*، تهران: سمت.
۱۰. گریزیک، ژرار و دلاژ، الیویه (۱۳۶۶)، *توفان خلیج فارس*، ترجمه اسدالله مبشری و محسن مؤیدی، تهران: انتشارات اطلاعات.
۱۱. واسیلیف، آلکسی (۱۳۵۸)، *مشعل‌های خلیج فارس*، ترجمه سیروس ایزدی، تهران: کتاب‌های جیبی.
12. Abdulghani, yasin M (1984), *Iraq and Iran the Years of crisis*, Baltimore: the Johns Hopkins University press .
13. *Arab Report and Record* (1973), 16-30 March
14. *Arab Report and Record* (1978), 1-15 December
15. *Arab Report and Memo* (1977), Paris (No . 15) 19 August
16. Edith and E. F. penrose (1978), Iraq: *Internation Relations and National Development, London*: Ernest Benn.
17. *Echo of Iran*, Iran Almanac (1975), Tehran, Echo of Iran .
18. *EIU*, country profile Iraq (1986), 87.
19. *EIU*, coudry profile Iraq (1988), 89.
20. *EIU*, country profile Kuwait (1988), 89.
21. Grummon, Stephen (1982), the Iran -Iraq war Islam Embatteld, Washington D.C .preager,
22. Hameed, masher (1986), *Arabia Imperillied : the security imperatives of the Arab Gulf states*, Washington D.C .M.E.A.G .
23. Hussain, saddam (1979), *on social and foreign Affairs in Iraq*, London :room Helm .
24. Iraqi Embassy (1990), *The political Background to current Events*, London.
25. Kessing's contemporary Archives (1985), *Record of world Events, Longman*, vol. xxx1, No.
26. Kessing's contemporary Archives (1986), *Record of world Events*, Longman, vol . xxx11, No .11
27. khadduri, Majid (1968), Socialist Iraq, A study in Iraqi politics since 1968, washington D.C *the Middle East Institute* .
28. Litwak, Robert (1981), security in the Persian Gulf, 2 :sources of inter – state conflict, London :*The international Institute for strategic studies*, Gower,
29. Meri Report (1985), Kuwait, London :Groom Helm.